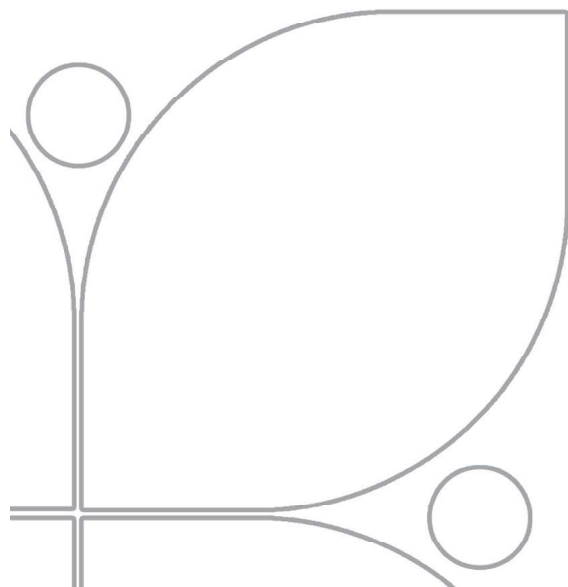
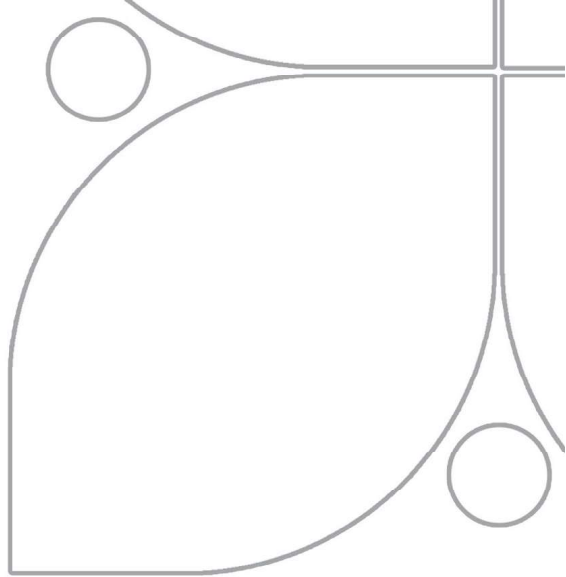


حکمرانی اخبار بر مغز ما

تأثیر روان - فیزیولوژیک روزنامه نگاری





- سرشناسه: نری، ایزابل Nery, Isabel
- عنوان و نام پدیدآور: حکمرانی اخبار بر مغز ما : تأثیر روان - فیزیولوژیک روزنامه‌نگاری نویسنده: ایزابل نری؛ مترجم: زهرا ایزدی
- مشخصات نشر: تهران، موسسه فرهنگی و هنری دیدگاه کاوش و سازندگی دکسا، ۱۴۰۴.
- مشخصات ظاهری: ۲۰۲ ص.؛ جدول، نمودار (رنگی)
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۳۶۳-۱۲-۴
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
- یادداشت: عنوان اصلی Our Brain and the News
- عنوان دیگر: تأثیر روان - فیزیولوژیک روزنامه‌نگاری
- موضوع: روزنامه‌نگاری -- جنبه‌های روان‌شناختی
- Journalism -- Psychological aspects
- خبر بد -- جنبه‌های روان‌شناختی
- Bad news -- Psychological aspects
- شناسه افزوده: ایزدی، زهرا، ۱۳۶۸-، مترجم
- رده‌بندی کنگره: NP ۴۷۴۹
- رده‌بندی دیویی: ۰۷۰/۰۱۹
- شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۴۱۹۵۵

حکمرانی اخبار بر مغز ما

تأثیر روان - فیزیولوژیک روزنامه‌نگاری

نویسنده

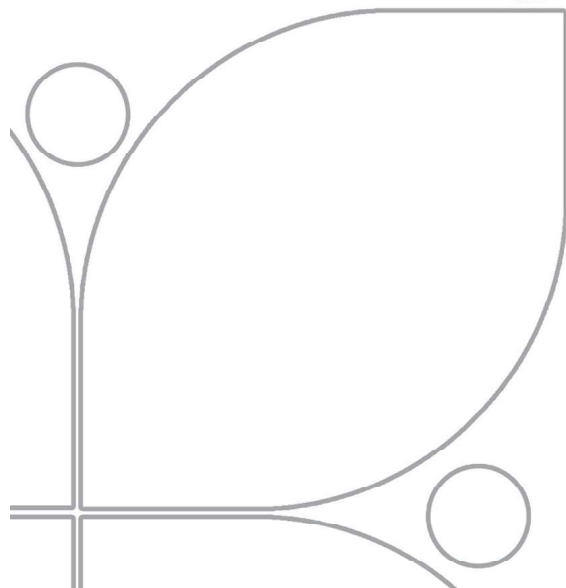
ایزابل نری

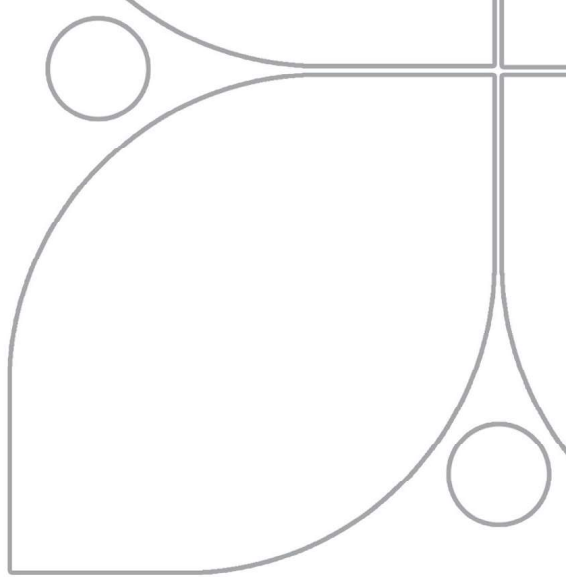
مترجم

زهرا ایزدی



دُکسا

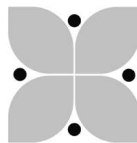




حکمرانی اخبار بر مغز ما تأثیر روان - فیزیولوژیک روزنامه نگاری

نویسنده: ایزابل نری

مترجم: زهرا ایزدی



دُکسا

تهران، صندوق پستی ۱۴۶۵۵۹۴۳

۰۲۱۵۴۹۳۲۲۲۲

publication@doxa-v.org

www.doxa-v.org

Doxa_vision

صفحه‌آرا: غزل محسن‌زاده

طراح جلد: هادی جلدی

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۵

شمارگان: ۲۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۱۳۶۳-۱۲-۴

دو رَه شد جدا در دل بیشه‌زار
گُزیدم من آن راهِ کم‌ره‌گذار
تفاوت از آن گشت بس آشکار

رابرت فراست (۱۹۲۰)

تقدیم به دوست‌داران روزنامه‌نگاری و همهٔ کسانی که باور دارند
اطلاعات و دانش می‌تواند جهانی بهتر بسازد.

نویسنده

تقدیم به همهٔ هم‌وطنانم؛
به امید روزی که با چشمانی باز، ایرانی زیبا بسازیم.

مترجم

سخن هیئت تحریریه

دکسا باور دارد که کتاب دریچه‌ای است به سوی افقی تازه برای اندیشیدن و زیستن. رسالت ما برگزیدن و فراهم آوردن آثاری است که بتوانند به زندگی امروز جامعه ایران معنا ببفزایند، توان رویارویی با مسائل فردی و اجتماعی را تقویت کنند، و راهی بگشایند به سوی آینده‌ای روشن‌تر و آگاهانه‌تر.

ما با دقت و وسواس علمی، از میان آثار برجسته و پژوهش‌های معتبر جهانی و داخلی، کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنیم که از پشتوانه‌ای استوار در اعتبار دانشگاهی، تجربه اندیشمندان، و ناشران معتبر برخوردار باشند. هدف ما صرفاً افزودن بر قفسه‌های کتابخانه‌ها نیست، بلکه فراهم آوردن منابعی است که دانش و آگاهی را با نیازهای واقعی و مسائل امروز جامعه ایران پیوند زنند.

چه در عرصه ترجمه و چه در حوزه تألیف، اهتمام ما آن است که دستاورد پژوهشگران و نویسندگان برجسته به زبان فارسی در دسترس قرار گیرند؛ آثاری که، علاوه بر انتقال دانش، پاسخی درخور به پرسش‌های انسان معاصر بدهند و زمینه‌ساز پرورش نگاهی ژرف‌تر به جهان باشند.

مخاطبان ما دایره وسیعی از افرادی هستند که به بالندگی این سرزمین می‌اندیشند، افرادی که به نقد و تحلیل، و فهم مسائل نظری علاقه‌مندند و دغدغه کم‌رنگ کردن مشکلات عملی را دارند؛ آنان که در اندیشه و عمل پویا هستند و همواره در پی نگرستن به خود و جامعه از منظرهای متعدّدند.

امید داریم هر کتاب دکسا پلی باشد میان اندیشه و عمل، میان خرد و زندگی؛ تلاشی کوچک اما استوار برای ساختن جامعه‌ای آگاه‌تر، توانمندتر، و دارای پیوندی قوی‌تر با میراث فکری و فرهنگی ایران و جهان.

تورج الهوردی و افشین سپهوندی

فهرست

پیش‌گفتار	۱۱
قدردانی‌ها	۲۱
درباره نویسنده	۲۳
فصل یکم: علوم اعصاب ارتباطات: رویکردی چندرشته‌ای	۲۵
۱. هیروشیما و شاهکار جان هرسی	۳۰
۱.۱. روزنامه‌نگاری ادبی پس از هرسی	۳۳
۲. خبر در برابر رپرتاژ و روزنامه‌نگاری ادبی	۴۲
۱.۲. روزنامه‌نگاری ادبی به مثابه رپرتاژ	۵۱
۳. شناخت و اخبار	۵۶
۱.۳. رسانه همچنان می‌تواند پیام باشد	۵۶
۲.۳. رسانه‌ها چگونه بر ما اثر می‌گذارند	۶۰
۴. مغز در فرایند خواندن	۶۶
۱.۴. چنان بخوانید که احساس می‌کنید	۷۲
۲.۴. خواندن: ماجرای شما و هیجان‌هایتان	۷۸
فصل دوم: روش‌شناسی و رویه‌های پژوهش	۸۷
۱. شرکت‌کنندگان	۹۱
۲. پرسش‌نامه‌های ارزیابی روان‌شناختی	۹۱
۱.۲. سنجش هیجانات	۹۳
۲.۲. سنجش شناختی	۹۳
۳.۲. ضربان قلب و سنجش سیستم عصبی خودمختار	۹۳

۹۴	۴.۲. سنجش هشپاری درون بدنی
۹۴	۵.۲. سنجش درد
۹۶	۳. رویه ها

۸۹	فصل سوم: آنچه داده‌های ما می‌گویند
۱۰۰	۱. ویژگی‌های نمونه آماری
۱۰۰	۲. حس کردن اخبار
۱۰۰	۱.۲. هیجانات
۱۰۳	۲.۲. درد
۱۰۶	۳.۲. ضربان قلب
۱۱۰	۴.۲. اثرات اخبار بر اساس خوداظهاری‌های شرکت‌کنندگان

۱۱۳	فصل چهارم: بررسی و تفسیر: تأثیر روان-فیزیولوژیک روزنامه‌نگاری
۱۲۶	۱. از مغز خواننده تا مغز دیجیتال
۱۴۰	۲. هیجانات و اخبار
۱۵۸	۳. هیجانی به نام درد

۱۷۳	فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۱۸۹	پیوست‌ها
۱۸۹	پیوست ۱: واژه‌نامه اصطلاحات علوم اعصاب
۱۹۱	پیوست ۲: متن الف (خبری)
۱۹۴	پیوست ۳: متن ب (روزنامه‌نگاری ادبی)



فرهیخته گرامی، ما در نشر دُکسا برای پاس‌داشت محیط زیست و کمینه‌کردن صدمات درازمدت ناشی از صنعت چاپ، و همچنین با هدف کاهش هزینه تمام شده کتاب، ارجاعات و یادداشت‌های پایانی هر فصل را حذف کرده‌ایم، اما شما همواره می‌توانید با اسکن کد رویه‌رو، به صفحه اختصاصی این کتاب در وب‌سایت نشر دُکسا مراجعه کنید و علاوه بر مشاهده ارجاعات، یادداشت‌ها، و توضیحات تکمیلی مترجم، از خطاهای احتمالی مرتبط با چاپ و ترجمه کتاب آگاه شوید.

پیش‌گفتار

نخستین بار که کتاب هیروشیمای جان هرسی^۱ را خواندم، دریافتم که این نمونه‌ای است از همه آنچه که در مقام روزنامه‌نگار، می‌خواستم انجام دهم: گزارش دادن، ایجاد تغییر، و روایت یک داستان خوب. آن متن، دهه‌ها پس از وقوع رویدادهایی که نقل می‌کرد، هیجانی را در من برانگیخت که باعث شد با خود فکر کنم چرا چنین تأثیر چشمگیری بر من داشته است.

سال‌ها گذشت تا متوجه شدم برای این نوع متن — که به زیبایی ادبیات است و به واقع‌گرایی روزنامه‌نگاری — نامی وجود دارد: روزنامه‌نگاری ادبی. و حتی سال‌های بیش‌تری زمان برد تا شجاعت آن را پیدا کنم که بکوشم بزرگ‌ترین پرسش‌ها را در این باره پاسخ دهم: ۱. چگونه می‌توان به خواننده دست یافت و او را چنان عمیق تحت تأثیر قرار داد که بخواهد جهان را تغییر دهد؟ (پرسش روزنامه‌نگار) و ۲. اگر من چنین احساسی نسبت به یک متن روزنامه‌نگاری داشته باشم، آیا دیگر خوانندگان هم همان احساس را به آن خواهند داشت؟ (پرسش پژوهشگر).

پاسخ دادن به این پرسش‌ها آسان نیست. اما هم روزنامه‌نگاران و هم

1. *Hiroshima*, John Hersey

این کتاب، با همین عنوان (هیروشیما) به فارسی ترجمه و منتشر شده است - م.

پژوهشگران وظیفه دارند پرسش‌های دشوار را مطرح کنند. از این‌رو، بیش از بیست سال پس از نخستین مواجهه‌ام با شاهکار جان هرسی، تصمیم گرفتم به دنبال پاسخ‌ها بروم و این کار را نه تنها بر پایه دانشم در جایگاه خبرنگار، بلکه از منظر یک پژوهشگر و براساس علوم ارتباطات و علوم اعصاب، انجام دهم.

برای این‌که دورانی را بیابیم که در حوزه ارتباطات و رسانه‌های خبری، به اندازه آنچه از ابتدای قرن بیست و یکم تجربه کرده‌ایم تحول‌آفرین بوده باشد، باید بیش از پنج قرن به عقب بازگردیم، یعنی به زمانی که یوهانس گوتنبرگ حروف چاپی متحرک را اختراع کرد.^۱ همان‌طور که وایه‌خو^۲ می‌گوید: «اکنون در میانه دوران گذاری به سر می‌بریم که به اندازه سواد یونانی^۳، ریشه‌ای و بنیادین است. اینترنت در حال دگرگون کردن شیوه استفاده از حافظه و حتی سازوکارهای خود دانش است.»^۴

این پژوهش در بستری از تناقض‌های بزرگ درباره مصرف اطلاعات و دسترسی به اطلاعات شکل گرفته است. از یک سو، هرگز به اندازه امروز خبر وجود نداشته است^۵، تا حدودی به این دلیل که هرگز این‌همه تولیدکننده اطلاعات و این‌همه خواننده وجود نداشته است. اما از سوی دیگر، روشن است که برای رسانه‌های خبری بسیار دشوار است که بتوانند از مخاطبان اینترنتی خود درآمذزایی کنند.^۶

در بازه سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۶ میلادی، بیش از ۵۰۰ روزنامه تعطیل شدند (انجمن سردبیران خبری آمریکا^۷ در سال ۲۰۱۶ شمارش روزنامه‌ها

1. Davis 2019

2. Vallejo

۳. Greek Literacy: گذار از فرهنگ شفاهی به فرهنگ نوشتاری که شکل تفکر، حفظ دانش و سازمان‌دهی اطلاعات را دگرگون کرد - م.

4. Vallejo 2020, p. 124

5. Fenton 2009

6. Cagé 2016

7. American Society of News Editors

را متوقف کرد) و سایر روزنامه‌ها نیز یا پوشش خبری خود را کاهش دادند، یا اندازه صفحاتشان را کوچک کردند، یا تولید نسخه چاپی را متوقف کردند.^۱ تا سال ۲۰۰۰ میلادی، از ۱۵۰۰ روزنامه باقی‌مانده در آمریکا، تنها ۳۵۰ روزنامه تحت مالکیت خصوصی و مستقل بودند.

اگرچه تعداد مخاطبان دیجیتال رشد روزافزون دارد، این افزایش به درآمدی برای تولیدکنندگان اطلاعات تبدیل نمی‌شود و این امر پارادوکس‌های تازه‌ای را در عرصه رسانه پدید می‌آورد؛ چرا که شمار اندکی از بازیگران این حوزه به طیف بسیار گسترده‌ای از مخاطبان دسترسی دارند. گردش مالی خبرنامه‌ها در آمریکا، در سال ۱۹۶۵ معادل ۱ درصد تولید ناخالص داخلی بود اما در قرن بیست و یکم به ۰/۲ درصد کاهش یافت.^۲ می‌توان گفت این امر تحولی در شیوه کسب‌وکار حوزه رسانه است، همان‌طور که در بسیاری حوزه‌های دیگر نیز رخ می‌دهد. با این حال، نمی‌توان رسانه‌ها را مانند هر شرکت دیگری دانست؛ همان‌طور که کاژه می‌گوید: «مقصود اصلی آن‌ها نه بیشینه‌سازی سودآوری مالی، بلکه ارائه کالایی عمومی – اطلاعات کیفی، رایگان و مستقل – است که برای گفت‌وگو در جامعه‌ای دموکراتیک ضروری است.»^۳

از زمانی که وارد حرفه روزنامه‌نگاری شدم تا امروز، تغییرات بسیاری رخ داده است: کاهش بودجه اتاق‌های خبر که منجر به تحمیل «روزنامه‌نگاری پشت‌میزی»^۴ شده است^۵ و خبرنگاران را از ارائه اطلاعات عمیق بازمی‌دارد؛ کاهش تعداد خوانندگان؛^۶ بحران جهانی در شیوه کسب‌وکار،

1. Lepore 2019

2. Cagé 2016

3. Cagé 2016, p. 112

۴. *Sitting Journalism*: سبکی از روزنامه‌نگاری است که در آن، خبرنگار بیش‌تر زمان خود را در دفتر کار می‌گذراند و بدون انجام تحقیقات میدانی یا بررسی‌های عمیق، گزارش خود را فقط با تکیه بر منابع آماده یا خبرگزاری‌ها می‌نویسد - م.

5. Neveu 2014, p. 535

6. Andi et al. 2020

کاهش پیوسته تعداد مخاطبان و درآمدهای تبلیغاتی و فرصت‌های شغلی در رسانه‌های خبری.^۱

روزنامه‌نگاران دیگر مدیریت اطلاعات را در دست ندارند. اطلاعات خوب و به‌هنگام و معتبر و روزنامه‌نگاری کیفی و ژرف‌نگر پرهزینه است و به همین دلیل، بیش‌تر در دسترس اقلیت مرفه قرار می‌گیرد. به‌ویژه در دو دهه اخیر، خود روزنامه‌نگاری – شیوه پوشش خبری و گزارش‌دهی، نگارش و ویرایش اخبار – دستخوش تغییر شده است، زیرا ناچار است با رشد اخبار جعلی دست‌وپنجه نرم کند. امروزه، اطلاعات هم بی‌نظم‌تر و هم آزادتر شده است.^۲

این‌جا به پارادوکس دیگری از صنعت جهانی اطلاعات می‌رسیم که در حال تبدیل شدن به صنعتی شبکه‌ای است. پیش‌تر تصور می‌شد که پیشرفت‌های فناوریانه مفهوم رسانه‌های جمعی را – که با ویژگی‌هایی چون بزرگی، ناهمگنی و پراکندگی شناخته می‌شدند – منسوخ کند؛ حال آن‌که در واقع، نوع رابطه این رسانه‌ها و مخاطبان را دگرگون کرده و آن را به شکلی شخصی‌تر، خصوصی‌تر، هدفمندتر، تعاملی‌تر و گسترده‌تر درآورده است. مفهوم رسانه‌های جمعی، به جای آن‌که از میان برود، در هم‌زیستی با ارتباطات فردی و بین‌فردی به حیات خود ادامه می‌دهد.^۳ برخی از پژوهشگران بر این باورند که اکنون، دست‌بالا با نوعی «ارتباطات جمعی فردی‌شده» مواجهیم.^۴

این تغییرات تا حد زیادی ناشی از انتشار اطلاعات از طریق اینترنت است. اما نتیجه به آن شکل کاملاً مثبت که بسیاری پیش‌بینی می‌کردند، نبوده است. حتی اگر بپذیریم که فضای تقریباً نامحدود برخط (در مقابل محدودیت تعداد صفحات خبرنامه‌های چاپی) به معنای انتشار اخبار

1. Pew Research Center 2019

2. Lepore 2019

3. Deuze 2021; Fenton 2012

4. Fenton 2012

بیش‌تر است و فناوری دست‌یابی به تنوع را آسان می‌کند، ثابت شده است که کمیت مترادف با کیفیت نیست و تنوعی که انتظار آن می‌رفت، جای خود را به همگن‌سازی گفتمان در فضای عمومی داده است. اگرچه محصولات اطلاعاتی متنوع‌اند، اغلب همان داستان‌ها را از همان دیدگاه و با همان منابع روایت می‌کنند.^۱

اینترنت انقلابی در توزیع اطلاعات است، اما لزوماً به معنای تحول در تولید محتوا نیست.^۲ با فراموش شدن این حقیقت، اینترنت همچون ابزاری آرمانی نشان داده شد که جامعه را دموکراتیک‌تر می‌کند، انحصار را کاهش می‌دهد و جریان اطلاعات را غیرمتمرکز می‌کند.

با این حال، شیوه کسب‌وکاری مبتنی بر «رایگان بودن»، برخلاف انتظار، باعث تمرکز شده است.^۳ همان‌طور که کوران و همکارانش^۴ می‌گویند، اینترنت جهان را آن‌طور که تصور می‌شد تغییر نداده است، زیرا مانند همه فناوری‌های پیش‌تر، اثرگذاری آن بستگی به بافتار و بستر دارد: «اینترنت به شیوه‌ای که انتظار می‌رفت، فهم و آگاهی جهانی را ترویج نکرده است؛ زیرا در نهایت، بازتاب نابرابری‌های واقعی، تقسیمات زبانی و تضاد ارزش‌ها و منافع بوده است. اینترنت دموکراسی را نه گسترش داده و نه بازسازی کرده است.»^۵

اگرچه برخی پژوهشگران سودآور نبودن خبرنامه‌ها را افسانه می‌دانند — و البته درست‌تر آن است که بگوییم روزنامه‌ها درآمد دارند، اما نه به اندازه گذشته^۶ — واقعیت این است که روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران زیر فشارهای زیادی قرار دارند و ناامنی شغلی در این حرفه رو به افزایش

1. Fenton 2009

2. Edge 2014

3. Freedman 2016

4. Curran et al. 2012

5. Curran et al. 2012, p. 180

6. Edge 2014, p. 223

است. با گذار به سمت شیوهٔ پسا صنعتی (که فردی تر و انعطاف پذیرتر است)، فناوری دیجیتال منطق رسانه‌ای جدیدی معرفی کرده^۱ و حرفهٔ روزنامه‌نگاری را تغییر داده است: «روزگاری، روزنامه‌نگاری در مؤسسات رسمی سازمان‌دهی می‌شد و کارگران قراردادی محتوا را تحت شرایط ساختاری تولید می‌کردند؛ اما امروز، این حرفه بسیار متزلزل‌تر، پراکنده‌تر و شبکه‌ای‌تر شده است.»^۲

تمام این یافته‌های به‌ظاهر ناسازگار مُهر تأیید بر این دیدگاه می‌زنند که هر فناوری اطلاعاتی فرصت‌ها و تهدیدهای خاص خود را به همراه دارد. مهم‌تر آن‌که، این یافته‌ها ما را وادار می‌کنند به این موضوع بیندیشیم که هر رسانهٔ جدید چگونه ماهیت اندیشهٔ انسانی را تغییر می‌دهد.^۳

قرن بیست و یکم دوره‌ای پر از چالش‌ها و زیان‌های بزرگ برای روزنامه‌نگاری و روزنامه‌نگاران بوده است. شاید از خود پرسید که چرا حفظ روزنامه‌نگاری اهمیت دارد. درست است که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای است مانند بسیاری از مشاغل دیگر، اما درعین حال، مانند هیچ شغل دیگری نیست؛ چرا که روزنامه‌نگاری نقشی حیاتی در تضمین دموکراسی ایفا می‌کند.

دفاع از دموکراسی وظیفهٔ روزنامه‌نگار است؛^۴ همچنین، فهمیدن نقش بنیادین روزنامه‌نگاری در دموکراسی نیز مهم است. روزنامه‌نگاری با اطلاع‌رسانی، تحقیق و تحلیل، به ترویج درک متقابل می‌پردازد، به مردم صدا می‌دهد و آن‌ها را برای کنشگری بسیج می‌کند.^۵ در جوامع دموکراتیک، این مسئولیت شهروندان است که همواره مطلع باشند.^۶ از

1. Deuze and Witschge 2018

2. Deuze 2017, p. 10

3. Gleick 2012

4. Adams 1994

5. Wahl-Jorgensen and Hanitzsch 2009

6. Mendes et al. 2009

دیدگاه مؤسسهٔ پروپابلیکا^۱، روزنامه‌نگاری ابزاری برای افشای بی‌عدالتی‌ها و سوءاستفاده‌های از قدرت است، چرا که «بهره‌کشی قدرتمندان از ضعیفان و ناکامی‌های صاحبان قدرت را آشکار می‌کند و بدین‌سان، اعتمادی را که به روزنامه‌نگاران شده است اعتبار می‌بخشد.»

این‌که ما در دو جهان زندگی می‌کنیم – جهان واقعی و جهان رسانه – چیز تازه‌ای نیست.^۲ اما به واسطهٔ فناوری، اکنون مرز میان این دو جهان به طور روزافزون و ناخودآگاه در هم می‌آمیزد. امروزه، قدرت پردازش گوشی‌های هوشمند بسیار بیش‌تر از قدرت پردازش رایانه‌ای است که نیل آرمسترانگ را به ماه هدایت کرد. تعداد افراد متصل به اینترنت از ۴۰۰ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ به ۳/۵ میلیارد نفر در سال ۲۰۱۶ افزایش یافت و در سال ۲۰۲۱، از مرز ۴ میلیارد نفر عبور کرد. ما هر روز ۲۶۹ میلیارد ایمیل ارسال می‌کنیم و ۳۵۰ میلیون عکس در فیسبوک منتشر می‌کنیم. در هر ثانیه، ۶۰ هزار جست‌وجو در گوگل انجام می‌شود. تا سال ۲۰۲۰، اطلاعاتی که ما در هر ۲ ساعت تولید می‌کردیم به اندازه‌ای بود که انسان‌ها در دو هزار سال هستی‌شان تولید کرده بودند.^۳ امروزه در هر نیم دقیقه، یک کتاب منتشر می‌شود.^۴

چشم‌انداز فناوریانه مصرف اخبار را تغییر داده است؛ با این حال، «فراوانی بیش‌ازحد اطلاعات»^۵ که ابزارهای فناوریانه فراهم آورده‌اند، به تدریج «بار»ی بر دوش خوانندگان به شمار می‌رود و به پدیده‌ای می‌انجامد که امروزه با عنوان اخبارگریزی شناخته می‌شود. گزارش دیجیتال رویتز نشان می‌دهد شمار زیادی از افراد، حتی آن‌هایی که در حالت عادی علاقهٔ زیادی

۱. ProPublica: پایگاه خبری غیرانتفاعی و مستقل است که با رویکرد روزنامه‌نگاری تحقیقی و در راستای

منافع عمومی، به تولید و انتشار اخبار می‌پردازدیم.

2. Potter 2018

3. Susskind 2018

4. Vallejo 2020

5. Gleick 2012

به اخبار دارند، اذعان می‌کنند که گاهی یا اغلب اوقات، به‌عمد از دنبال کردن اخبار پرهیز می‌کنند.^۱ برخی مصرف‌کنندگان می‌گویند که زیر حجم عظیم اخبار، به‌ویژه هنگام دسترسی به آن از طریق شبکه‌های اجتماعی، احساس سردرگمی و درماندگی می‌کنند. چنین احساسی، که بخشی از آن ناشی از محدودیت‌های شناختی در تسلط بر این‌همه اطلاعات است، این خطر را به همراه دارد که شهروندان برای محافظت از خود در برابر این فشار، فراوانی بیش‌ازحد اطلاعات و ناتوانی در همگام‌ماندن با آن، از اخبار فاصله بگیرند.^۲

ساده‌انگارانه خواهد بود اگر تصور کنیم جامعه می‌تواند با همان ابزارهای پیشین، با سیل اطلاعات کنونی کنار بیاید. به همین دلیل که مشکلات تازه راه‌حل‌های تازه می‌طلبند، تصمیم گرفتم که پژوهشم بازتاب‌دهنده نگاهی دیگر به مسائل روزنامه‌نگاری باشد.

آیا اطلاعات بسته به این‌که از طریق خواندن متن خبری دریافت شود یا متن روزنامه‌نگاری ادبی، به گونه‌ای متفاوت ادراک می‌شود؟ آیا سبک‌های گوناگون نگارش روزنامه‌نگارانه اثرات متفاوتی بر مخاطبان دارند؟ آیا واکنش‌ها به خواندن از روی کاغذ با واکنش‌ها به خواندن از روی دستگاه‌های الکترونیکی فرق می‌کند؟ آیا خوانندگان می‌توانند میان انواع محتواهای روزنامه‌نگارانه‌ای که به آن‌ها ارائه می‌شود تمایز قائل شوند؟

برای یافتن پاسخ‌ها، تصمیم گرفتم به ژانری بنگرم که ویژگی ذاتی‌اش این است که نقطه مقابل اطلاعات زودگذر و شتاب‌زده است: روزنامه‌نگاری ادبی. سپس، طرحی پژوهشی اضافه کردم که به ما امکان می‌داد در بررسی رابطه‌مان با متون روزنامه‌نگارانه، از سطح واکنش‌های خودآگاه فراتر برویم

1. Newman et al. 2023

2. Lee et al. 2017

و با به‌کارگیری روش‌های علوم اعصاب، چگونگی دریافت^۱ مقالات خبری را بفهمیم.

در مواجهه با این هدف نسبتاً بلندپروازانه، نخستین کاری که باید انجام می‌دادم این بود که در متنِ جانِ هرسی دقیق شوم، چستی روزنامه‌نگاری ادبی را بهتر بفهمم و سازوکار مغز و هیجانات را بررسی کنم.

ایزابل نری

لیسبون، پرتغال

۱. Reception: فرایند ادراک و تفسیر مخاطب از متن، واکنشش به آن و شیوه تعاملش با آن-م.

